



وضعیت زنان افغان، دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (UN Women) – هیئت معاونت

سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) – سازمان بین المللی مهاجرت (IOM)

جون ۲۰۲۳

تصویر: سازمان ملل متحد برای خانم ها/اسیدحیب بیدل

پس منظر

سند هذا ارائه کننده دیدگاه های زنان در سرتاسر افغانستان در مورد وضعیت و اولویت های آنان در نتیجه عقبگرد اخیر در عرصه حقوق زنان و برابری جنسیتی/جندر، می باشد. همچنان، ارائه کننده توصیه های زنان در مورد موضوعات کلیدی، به جامعه بین المللی نیز می باشد، مانند ممنوعیت^۱ مؤرخ ۴ اپریل ۲۰۲۳ در مورد کار کردن زنان افغان در نهاد های ذیربط سازمان ملل متحد و تمدید ممنوعیت مؤرخ ۲۴ دسامبر ۲۰۲۲ در مورد کار کردن زنان افغان در مؤسسات غیردولتی ملی و بین المللی (NGOs)^۲.

به منظور تهیه سند هذا، دفتر امور زنان سازمان ملل متحد در افغانستان (UN Women Afghanistan)، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) و هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) با ۴۰۷ تن از زنان افغان مشوره نموده است. در این پروسه از تاریخ ۱۸ تا ۲۶ اپریل ۲۰۲۳، از ۱۸۱ تن شرکت کنندگان در ولایت های کابل، قندهار، هرات، بغلان، بامیان، بلخ، ننگرهار، کنر و لغمان، اطلاعات جمع آوری شده است.^۳ به همین ترتیب، از تاریخ ۲۰ اپریل تا ۱۲ می، در ۲۰ ولایت افغانستان حدود ۲۲۶ سروی تلفونی یک به یک با زنان انجام یافته است^۴ که مناطق شهری و روستایی را تحت پوشش قرار داده است.^۵ مشوره های مذکور عمدتاً با زنان کتگوری های مختلف صورت گرفته است، مانند زنانی که مسوولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارند، بیجا شدگان داخلی، باشندگان روستایی و شهری و زنان وظیفه دار و بیکار. همچنان شرکت کنندگان از لحاظ سن، حالت مدنی، قومیت و پس منظر تحصیلی با همدیگر متفاوت بوده اند. یکی از مشوره هاییکه جنبه آزمایشی داشت، با مردان صورت گرفته است، تا دیدگاه های آنان را در مورد برابری جنسیتی/جندر و حقوق زنان شناسایی و درک شود^۶.

^۱ به تاریخ ۴ اپریل ۲۰۲۳، مقامات بالفعل به سازمان ملل متحد اطلاع دادند که اعتبار از تاریخ مذکور هیچ زن افغان اجازه ندارد که در سازمان ملل متحد در افغانستان کار کند و این یک اقدام فعالانه است که به منظور امنیت کارکنان زن افغان که بیش از این قابل تضمین نمی باشد، روی دست گرفته شده است. این فیصله، حکمی را که قبلاً به تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۲۲ در پیوند با ممنوعیت کار کردن زنان افغان در مؤسسات غیردولتی ملی و بین المللی، اعلام شده بود، تمدید می نماید. به همین ترتیب، مقامات بالفعل به سازمان ملل متحد اطمینان داده اند که زنان افغان که در بخش های صحتی و آموزشی کار می کنند و زنان خارجی که در سازمان ملل متحد ایفای وظیفه می کنند، از این حکم مستثنی می باشند.

^۲ برای تحلیل پیامد های فوری ممنوعیت کار کردن زنان در مؤسسات غیردولتی، لطفاً به دفتر امور زنان سازمان ملل متحد، در لینک ذیل مراجعه نمایید: "بیکاری و فقر - پیامد های ممنوعیت کار کردن زنان در مؤسسات غیردولتی" (Out of Jobs, Into Poverty - The Impact of the Ban on Afghan Women Working in NGOs).

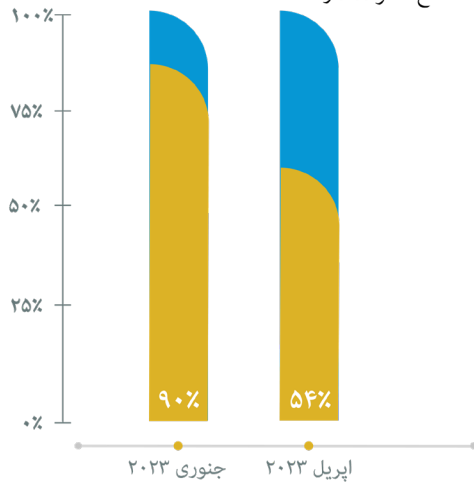
^۳ با در نظر داشت محدودیت های مرتبط به گزارش دهی کارکنان زن سازمان ملل متحد به دفاتر شان و نگرانی های امنیتی که در پیوند با تجمع زنان وجود دارد، تمام مشوره ها از طریق پلازوروم های مجازی انجام یافته اند. چندین تن از زنان به دلیل ترس از انتقام جویی توسط مقامات بالفعل و/یا اعضای نزدیک خانواده شان از شرکت در آن خودداری نمودند.

^۴ ولایت های غور، بدخشان، کابل، پکتیا، پکتیکا، نیمروز، خوست، قندهار، غزنی، بامیان، هرات، دایکندی، فراه، هلمند، ننگرهار، بادغیس، وردک، سرپل، بلخ و بغلان.

^۵ دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (UN Women)، هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) قبل از برگزاری جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد، با زنان افغان در داخل کشور به صورت رعبوار مشوره می نمایند. شما می توانید، گزارشات مرتبط به مشوره های قبلی را در اینجا "here" (جنوری ۲۰۲۳) و اینجا "here" (اکت/سپتامبر ۲۰۲۲) دریافت نمایید.

^۶ یک گروه شش نفری از مردان افغان برای مشوره آنلاین در قندهار دور هم جمع شدند.

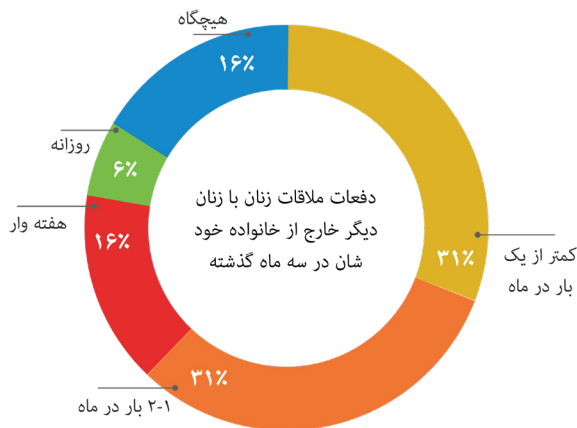
زنانی که تأثیر «خوب» یا «کامل» بر تصمیم‌گیری در سطح خانواده دارند



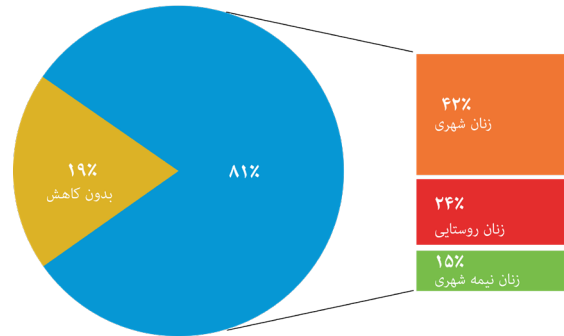
در خانواده خود
۱۹%

گفتند که
محدودیت‌ها باعث
وجود آمدن مکانیسم
های منفی مانند کار
کودک، ازدواج کودکان و
بیجاشده گان

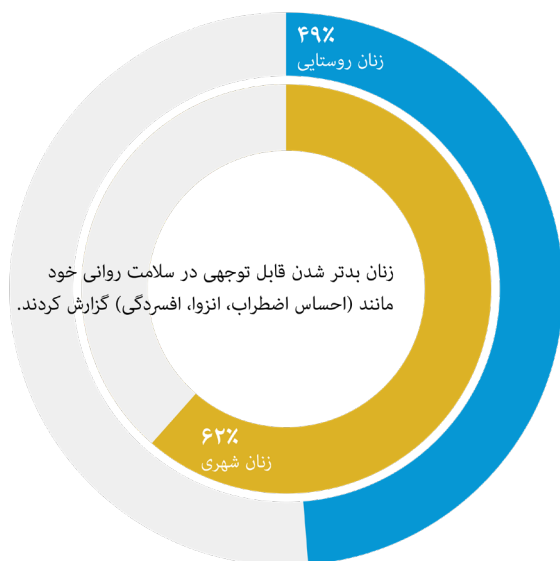
در جامعه خود
۸۰%



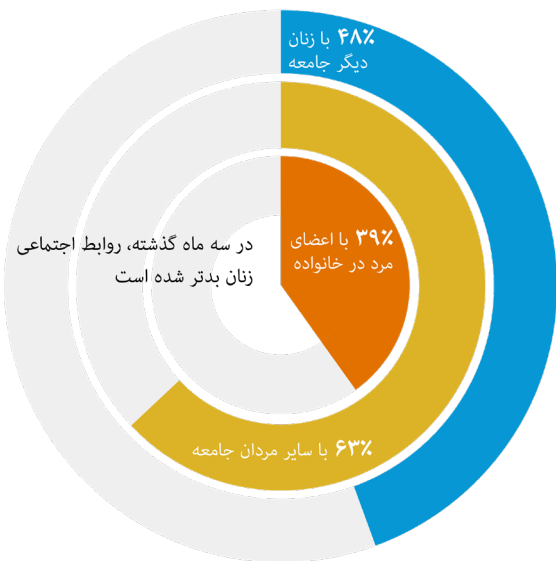
۸۱٪ از زنان می‌گویند محدودیت‌ها توانایی آنها را برای انجام فعالیت‌های در سه ماه گذشته کاهش داده است.



زنان بدتر شدن قابل توجهی در سلامت روانی خود مانند (احساس اضطراب، انزوا، افسردگی) گزارش کردند.



در سه ماه گذشته، روابط اجتماعی زنان بدتر شده است





ممنوعیت کار کردن زنان افغان در مؤسسات غیردولتی (NGOs) و سازمان ملل متحد

زنان افغان دریافته اند که بین ممنوعیت کار کردن زنان افغان در مؤسسات غیردولتی و گسترش آن به سازمان ملل متحد و بلند رفتن میزان فقر در جوامع آنها، ارتباط مستقیم وجود دارد. گروهی از مردان افغان نیز در حالیکه اینگونه مشاهدات را تایید کرده اند، خاطر نشان نموده اند که پالیسی های مقامات بالفعل در قبال حقوق زنان، آسیب پذیری جامعه را افزایش داده است. تقریباً تمام زنان (۹۹ درصد آنها) اظهار داشته اند که محدودیت های آموزشی و شغلی سبب شده است تا آنها در جوامع یا خانواده های شان به میکانیزم های مبارزه منفی متوسل شوند، مانند اطفال کارگر، ازدواج در سنین طفولیت یا بیجا شدن از خانه های شان.^۷ یک‌عده پاسخ دهندگان اشاره نموده اند که تعداد افرادی که در جوامع آنها دست به تگدی می زند، بیشتر شده است. اینگونه نگرانی ها زمانی شدت کسب می کند، که مقامات بالفعل، تگدی زنان را جرم می پندارد.^۸

نزدیک به ۸۵ درصد زنان افغان خاطر نشان نموده اند که طی سه ماه گذشته قابلیت و توانایی آنها در عرصه فعالیت های درآمدزا، شدیداً کاهش یافته است. در حال حاضر، تقریباً نصف آنها (۴۱ درصد آنها) یا "کاملاً" یا "قسماً" قادر به انجام همچو فعالیت ها نمی باشند، به شمول فعالیت های که در خانه قابل اجرا اند مانند خیاطی، مرغداری و غیره. تقریباً در تمام ولایات کشور زنان در این مورد توافق نظر داشتند که بیکاری آنها می تواند پیامد های هشدار دهنده به دنبال داشته باشد و سبب وخامت وضعیت آنها در خانواده ها شود، منجمله کاهش نفوذ آنان در تصمیم‌گیری، برهم خوردن روابط با اعضای ذکور خانواده و احتمالاً افزایش میزان خشونت خانوادگی. هرچند مشوره ها و سروی های تیلفونی پرسش ها در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت/جنس را احتوا نمی کرد، اما شمار زیادی از زنان این موضوع را به صورت جداگانه و به عنوان نتایج محدودیت هایی مطرح نموده اند، که بالای زندگی روزمره آنان اثرگذار می باشد.

زنان افغان با ما در میان گذاشتند که زنان جوامع آنها که در گذشته در خارج از منزل کار می کردند، اکنون از یک سو فعالیت های درآمدزای بدیل را در داخل منزل جستجو می کنند و از سوی دیگر به دنبال برنامه های آموزشی فنی و حرفوی هستند.^۹ با در نظر داشت محدودیت های حرکتی فعلی (مانند دستور داشتن محرم^{۱۰}) و نبود حمایت و منابع قابل دسترس و مهارت های مورد نیاز برای دست زدن به فعالیت های اقتصادی، این برای اکثریت زنان یک تحول دشوار و نفس‌گیر به حساب می رود. آئنده زنانی که مسوولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارند در مقایسه به سایر زنان خوب تر عمل می کردند، که ۶۸ درصد را تشکیل می دادند (در مقایسه با ۴۸ درصد زنانی که گفته اند مسوولیت سرپرستی خانواده را بر عهده ندارند)، در حال حاضر، قادر به انجام فعالیت های خانگی می باشند.

حدود ۹۹ درصد زنان افغان خاطر نشان نموده اند که در مجموع محدودیت های وضع شده از جانب مقامات بالفعل در برابر حقوق زنان و دختران، علی‌الخصوص در عرصه دسترسی آنان به آموزش و اشتغال، یک فاجعه اقتصادی و اجتماعی را به بار آورده است. زنان و دختران بلافاصله آنرا احساس می کنند، اما سبب گسترش فقر و مشکلات پیچیده صحت روانی می شود، که برای تمام افغان ها یک سیر نزولی را به ارمغان آورده است.

نفوذ زنان در تصمیم‌گیری



موازی به کاهش فرصت های درآمدزای زنان، طی سه ماه گذشته، نفوذ آنان در تصمیم‌گیری در خانواده نیز شدیداً تضعیف شده است. صرف ۵۴ درصد زنان افغان خاطر نشان نموده اند که در خانواده شان از نفوذ "خوب" یا "کامل" برخوردار اند، در حالیکه این رقم در ماه جنوری به ۹۰ درصد می رسید.^{۱۱} در پیوند به این موضوع تفاوت قابل ملاحظه ای بین زنان روستایی (۴۰ درصد) و زنان شهری (۵۸ درصد) به چشم می خورد، به گونه ای که حدود ۴۳ درصد زنان روستایی اظهار داشته اند که آنها در خانواده

^۷ تصنیف مراحل مصونیت غذایی مدغم، سال ۲۰۲۳، "افغانستان: وضعیت حاد عدم مصونیت غذایی، در ماه اپریل ۲۰۲۳ و پیش بینی برای ماه می الی اکتوبر ۲۰۲۳" (Afghanistan: Acute Food Insecurity Situation) ۲۰۲۳ for April - October ۲۰۲۳ and Projection for May - October ۲۰۲۳)، به تاریخ ۲۴ می ۲۰۲۳ به آن دسترسی صورت گرفته است.

^۸ مرکز تحلیل (ACAPS)، سال ۲۰۲۲، "روشنی در مورد پیامد های اجتماعی: از ماه جولای تا اکتوبر ۲۰۲۲" (Spotlight on Social Impact: July-October ۲۰۲۲)، بر مبنای یک مصاحبه که توسط "شبکه تحلیلگران افغانستان" (Afghanistan Analysts Network) گزارش داده شده است، مقامات بالفعل "فقراً را تحقیر نموده و به این باور اند که فقر سزای رفتار ناشایسته آنها است" (CITE).

^۹ یک مطالعه که در نوامبر ۲۰۲۲ راه اندازی شده است، نشان دهنده آنست که مشارکت زنان در نیروی کار در مقایسه با گزارشات گذشته ۴۵ درصدی آنها، دوبرابر می باشد: ۱۴ درصد زنان بیکار بوده و به دنبال کار هستند و ۳۲ درصد کار می کنند (شماری زیادی زنان در مزارع شخصی شان کار می کنند و یا مصروف مالدار هستند و یا هم تشیبات کوچک را در خانه ایجاد نموده اند، مانند خیاطی یا دست دوزی). لطفاً در بخش فعالیت های سال ۲۰۲۲ بانک جهانی، "به دور دوم سروی نظارت از رفاه افغانستان" (Afghanistan Welfare Monitoring Survey, Round ۲)، واشنگتن دی سی: بانک جهانی مراجعه نمایید.

^{۱۰} به تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۲۱، مقامات بالفعل "رهنمودی" (guidance) را صادر نمودند که بر مبنای آن زنان اجازه ندارند در فواصل بیش از ۷۸ کیلومتر بدون محرم (همراه مرد) مسافرت نمایند.

^{۱۱} دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (UN Women)، سال ۲۰۲۳، "صدای زنان افغان - گزارش خلاصه در مورد مشوره های زنان در سراسر کشور" (Afghan Women's Voices - Summary Report of Countrywide Women's Consultations).

شان "تقریباً هیچ نفوذ" یا "هیچ نفوذ" ندارند، در حالیکه این رقم در میان زنان شهری به ۱۴ درصد می رسد. نورم های جنسیتی/ جندر کمتر محدود کننده در محیط شهری و سطح تحصیلات عالی و سطح درآمد در میان زنان شهری سبب می شود که آنان در تصمیم گیری خانوادگی نفوذ بیشتر داشته باشند.

تمام زنان افغان در خانواده های شان با محدودیت تصمیم گیری روبرو نیستند. تعداد انگشت شمار آنها تاکید ورزیده اند که اعضای مرد خانواده به حرف های شان گوش داده و از آنان حمایت می کنند. اما، این مسئله تا حد زیادی به محیط خانه محدود است. در خارج از محیط خانه، اعضای مرد خانواده از پالیسی های مقامات بالفعل در پیوند به سلب اختیارات زنان و دختران اطاعت می کنند، زیرا آنان از عواقب عدم پیروی از اینگونه دستورات هراس دارند. زنان تاکید ورزیده اند که به تعامل با مردان افغان نیاز است، تا زنان بتوانند نفوذ خویش را در خانواده گسترش دهند و با رفتار های اجتماعی ای که آنان را وادار به عقبگرایی می کنند و یا هرگونه ممنوعیت، محدودیت، فرمان و یا رفتاری که زنان را مورد هدف قرار می دهد، مجادله نمایند.

همزمان با افزایش نفوذ مقامات بالفعل، نفوذ زنان افغان در تصمیم گیری به سرعت کاهش یافته است، که از محرومیت سازمان یافته از دسترسی به زندگی عامه و سیاسی نمایندگی می کند، که از اگست ۲۰۲۱ بدینسو حکمفرما می باشد. یک نسبت بزرگ زنان (۳۸ درصد) به این باور اند که آنها در خانواده بزرگتر شان "تقریباً هیچ نفوذ" یا "هیچ نفوذ" ندارند. شماری زیادی از زنان در جوامع شان (۷۴ درصد)، در سطح ولایتی (۸۱ درصد) و در سطح ملی (۸۹ درصد) چنین احساس داشته اند. طی سه ماه گذشته، اکثر زنان (۸۱ درصد) در هیچ موردی با مقامات بالفعل در پیوند با مسائلی که برای آنها مهم است، هیچگونه تعاملی نداشته اند. در نتیجه، مقامات بالفعل که عمدتاً مردان می باشند، به نادیده گرفتن نیازمندیها و دیدگاه های زنان در پروسه های تصمیم گیری ادامه می دهند.

روابط اجتماعی

روابط بین فردی زنان و مردان افغان در حال فروپاشی قرار دارد. حدود ۶۳ درصد زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، خاطر نشان نموده اند که طی سه ماه گذشته روابط اجتماعی آنان با مردان جامعه شان خرابتر شده است. به همین ترتیب، ۳۹ درصد آنها به گونه هشدار دهنده گفته اند که این موضوع در مورد اعضای مرد خانواده نیز صدق می کند. روابط با اعضای مرد خانواده در میان زنان شهری (۴۲ درصد) بیشتر از زنان روستایی (۳۲ درصد) خرابتر شده است، که دلالت به یک تحول قابل ملاحظه در نورم های اجتماعی و شرایط اقتصادی برای زنان شهری می کند. شماری از زنان، زمانیکه از آنها در مورد تغییر روابط اجتماعی شان با مردان جوامع شان پرسیده شد، پاسخ داده اند که گراف خشونت خانوادگی، بنابر پالیسی های که مقامات بالفعل در مورد حبس خانگی زنان، کاهش دسترسی به خدمات محافظتی و صحتی و افزایش فشار مالی در خانواده ها، روی دست گرفته اند، به گونه چشمگیری بلند رفته است.

روابط زنان افغان با زنان دیگر، که معمولاً یک شبکه حمایتی انتقادی را شکل می دهد، نیز خرابتر شده است. تقریباً نیمی از پاسخ دهندگان (۴۸ درصد) اظهار داشته اند که آنها احساس می کنند طی سه ماه گذشته روابط شان با زنان دیگر در جامعه شان خرابتر شده است. حدود ۱۵ درصد آنها اظهار داشته اند که در جریان سه ماه گذشته حتی یک مرتبه با زنان دیگر خارج از خانواده شان ملاقات نکرده اند و ۳۱ درصد آنها ماهانه کمتر از یک مرتبه با زنان دیگر ملاقات کرده اند. این ارقام دلالت به افزایش تجرید اجتماعی زنان می نماید. یافته ها نشان می دهند که این وضعیت به ویژه در حوزه شرقی افغانستان (ننگرهار، لغمان و کنر) و حوزه جنوب شرقی (پکتیا، پکتیکا، خوست و غزنی) وخامت بیشتر داشته است، طوری که بالترتیب ۸۸ درصد و ۹۶ درصد زنان خاطر نشان نموده اند که طی سه ماه گذشته روابط آنان با زنان دیگر خرابتر شده است^{۱۲}. به همین ترتیب، در حوزه شرقی افغانستان، ۶۱ درصد زنان گفته اند که آنها طی سه ماه گذشته ماهانه کمتر از یک مرتبه با زنان دیگر ملاقات کرده اند و در حوزه جنوب شرقی، ۵۸ درصد زنان اظهار داشته اند که آنها طی سه ماه گذشته، ماهانه حتی یک مرتبه هم با زنان دیگر ملاقات نکرده اند. در کنار حذف تمام ساختار های سازمان یافته حمایتی و افزایش روز افزون درز اجتماعی بین زنان و مردان، از دست دادن حمایت متقابل در میان زنان ضربه دیگری بر پیکر ستراتژی های انگشت شمار مقابله کننده و مثبت باقیمانده برای زنان در افغانستان، به حساب می رود.

^{۱۲} این یافته ها باید به عنوان شاخص مدنظر گرفته شوند و باید از طریق نمونه گیری های وسیعتر مورد بررسی قرار گیرند.



زنان افغان در واقع بار یک بحران عمیق صحت روانی را به دوش می کشند، که پایان آن غیر قابل تصور است. زنان به حمایت های صحت روانی دسترسی ندارند و بیش از این حمایت های غیررسمی جامعه وجود ندارد، زیرا اعمال محدودیت های حرکتی و فضای غیرمصون و غیرقابل اعتماد روابط اجتماعی را به شدت برهم زده است.^{۱۳} بیش از دو ثلث زنان افغان خاطر نشان نموده اند که آنها از لحاظ فیزیکی احساس مصونیت نمی کنند^{۱۴}، که دلالت به این می کند که پایان جنگ در افغانستان به مصونیت زنان نه انجامیده است. نزدیک به ۹۰ درصد زنان اظهار داشته اند که صحت روانی آنها از لحاظ فزیکونسی/تکرر احساس اضطراب، تجرید و افسردگی "خیلی وخیم" و یا "وخیم" می باشد^{۱۵}. اطلاعات جمع آوری شده از طریق سروی "بشنو" (Bishnow) در مارچ ۲۰۲۳، حاکی از آن است که ۴۸ درصد زنان افغان که در سروی شرکت ورزیده اند (۲۱۱۲ تن زنان در داخل کشور) خاطر نشان نموده اند که آنها حد اقل یک زن یا دختر را می شناسند که از افسردگی یا اضطراب رنج می برد^{۱۶}. زنانیکه با آنها مشوره صورت گرفته است، تاکید ورزیده اند که آنها به دلیل کمبود فرصت ها، خاصاً از اثر مسدود شدن دروازه های مکاتب متوسطه و پوهنتون/دانشگاه به روی شان، شدیداً مایوس و ناامید شده اند.

تفاوت های صحت روانی بین زنان روستایی و شهری قابل درنگ می باشد. طی سه ماه گذشته، احساس اضطراب، تجرید و افسردگی در میان زنان شهری (۶۲ درصد) بیشتر از زنان روستایی (۴۹ درصد) وخیم بوده است. همچنان، زنان شهری به این باور اند که وضعیت زنان و دختران وخامت بیشتر کسب خواهد نمود (۵۹ درصد در مقایسه با ۴۳ درصد زنان روستایی). این امر دلالت به این می کند که زنان شهری در مقایسه با زنان روستایی مشکل از دست دادن فرصت ها و آزادی ها را بیشتر احساس می کنند. با توجه به سنت ها و رسوم مناطق روستایی، امکان دارد مناطق مذکور حتی قبل از به قدرت رسیدن طالبان، با فرصت های کمتر و نورم های جنسیت/جندر محدودتر عادت کرده باشند.

محدودیت های وضع شده از جانب مقامات بالفعل و تبعیض حاد جنسیتی/جندر، ستراتیژی های مقابله کننده صحت روانی را به مخاطره می اندازد. موانع دوامدار در برابر آزادی حرکتی و دسترسی به اماکن عامه، مانند مکاتب، پوهنتون ها/دانشگاه ها، پارک ها، سالون های ورزشی و حمام های عمومی، در واقع فعالیت های ورزشی، تفریحی و ارتباط اجتماعی را با محدودیت روبرو می سازد. نبود ابزار های ارتباطات/مفاهمه، مانند تلفون همراه و دسترسی به انترنت، راه های مقابله را مسدود ساخته و فرصت های آموزش دوامدار از طریق یادگیری پنهان و آنلاین را از بین می برد^{۱۷}.

↑ اولویت های زنان در مقابل سازمان ملل متحد

آن عده زنان افغانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، به گونه جدی از جامعه جهانی می خواهند که باید زنان افغان را در صف مقدم هرگونه تعامل با مقامات بالفعل قرار دهند. دو ثلث پاسخ دهندگان (۶۴ درصد)، به این باور اند که مؤثرترین روش تعامل و مشارکت در حقوق زنان اینست که جامعه بین المللی فرصت های را برای زنان افغان فراهم سازد، تا آنها بتوانند مستقیماً با مقامات بالفعل ملاقات کنند. زنان افغان از اگست ۲۰۲۲ بدینسو به گونه مکرر این تقاضا را مطرح نموده و تصریح کرده اند که این مشارکت باید هم در سطح مرکزی و هم در سطح محلی صورت گیرد^{۱۸}.

تقریباً دو ثلث پاسخ دهندگان متمایل به مذاکرات به منظور لغو نمودن کامل ممنوعیت کار کردن زنان در مؤسسات غیردولتی و گسترش آن به سازمان ملل متحد (۵۳ درصد) و یا مذاکرات به منظور معافیت از این ممنوعیت (۱۷ درصد) بوده اند. کمتر از یک ربع (۲۳ درصد) پاسخ دهندگان از جامعه بین المللی مطالبه نموده اند تا مداخلات خویش را به شمول کمک های بشردوستانه را به گونه قسمی یا کامل در حالت تعلیق قرار دهند. حتی در میان زنان دریافت کننده کمک های بشردوستانه نیز این توصیه وجود داشته است. حدود ۲۱ درصد زنان بیجا شده داخلی توافق نظر داشتند که جامعه بین المللی باید به گونه کامل فعالیت های شان را، به شمول کمک های بشردوستانه در حالت تعلیق قرار دهند.

^{۱۳} لطفاً برای دریافت معلومات مزید در مورد چالش های کنونی صحت روانی در افغانستان، به مطلب سال ۲۰۲۲، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) تحت عنوان "خلاصه تحقیق صحت روانی: گرایش ها و چالش های بیجا شدن در افغانستان از اگست ۲۰۲۱ بدینسو" (Mental Health Research Brief: Displacement Trends and Challenges in Afghanistan Since August 2021) مراجعه نمایید.

^{۱۴} حدود ۶۸ درصد زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، خاطر نشان نموده اند که آنها احساس می کنند که امنیت فیزیکی شان "بسیار خراب" یا "خراب" می باشد.

^{۱۵} در پرسش ها از مقیاس ۱ (خیلی بد) تا ۵ (خیلی خوب) استفاده به عمل آمده است.

^{۱۶} لطفاً به "سروی بشنو" (Bishnow survey)، ۳۱ مارچ ۲۰۲۳ مراجعه نمایید.

^{۱۷} در سال ۲۰۲۲، حدود ۲۵ درصد مردان افغان گزارش داده اند که به انترنت دسترسی دارند در حالیکه این رقم در میان زنان افغان به ۶ درصد می رسد. دسترسی به انترنت در میان زنان شهری (۹ درصد) نسبت به زنان روستایی (۲ درصد) بیشتر بوده است. لطفاً (K. Nusratty) و (S. Crabtree)، سال ۲۰۲۳ تحت عنوان "آزادی دیجیتال خارج از دسترس برای اکثریت زنان افغان" (Digital Freedom Out of Reach for Most Afghan Women) در ویلاک گالوپ، ۸ مارچ مراجعه نمایید.

^{۱۸} این یک پیام مکرر در میان زنان افغان بوده، که از اگست ۲۰۲۲ بدینسو در مشوره های رعبور مطرح شده است.

زنان در شماری از حوزه های کشور به گونه جدی از جامعه جهانی خواسته اند تا فعالیت های خویش را به گونه کامل در حالت تعلیق قرار دهند، به عنوان مثال، ۷۹ درصد زنان در حوزه جنوب شرقی کشور (خوست، غزنی، پکتیا و پکتیکا) و ۳۶ درصد زنان در حوزه جنوبی کشور (قندهار، هلمند و نیمروز). بالمقابل، در حوزه شرقی کشور (لغمان، کنر و ننگرهار) و حوزه غربی کشور (فراه، هرات و بادغیس)، هیچ یکی از زنان اظهار نداشته است که جامعه جهانی باید به گونه کامل فعالیت خویش خود را به حالت تعلیق درآورد. در دو حوزه اخیرالذکر، زنان به گسترش مشارکت برای لغو ممنوعیت (بالترتیب ۹۰ درصد و ۶۸ درصد) یا مذاکرات به منظور معافیت از این ممنوعیت (بالترتیب ۱۰ درصد و ۲۳ درصد) اولویت داده اند.

زنان افغان شدیداً متمایل اند که هم خود آنها و هم دختران شان از قابلیت های بالقوه شان برخوردار شوند، تا بتوانند در درازمدت در اعمار جامعه افغانی نقش ایفا کنند. نگرانی بیشتر زنان فاقد درآمد را ممنوعیت آموزش تشکیل می داد، نه ممنوعیت کار کردن و محدودیت های حرکتی^{۱۹}. حدود ۶۶ درصد زنان در تمام ولایات خاطر نشان نموده اند که نگرانی های مرتبط به حقوق از اولویت های درجه یک آنان می باشد. اولویت های ویژه حقوق بشر قرار ذیل اند: آموزش (۲۶ درصد)، حقوق زنان (۲۶ درصد) و فرصت های اقتصادی برای زنان (۱۵ درصد). زنان افغان به خاطر از دست دادن فرصت های زندگی شان شدیداً ابراز تاسف و ناامیدی نموده است.

توصیه ها

زنان افغان از جامعه جهانی مطالبه نموده اند، تا از نادیده گرفتن آنها خودداری نمایند و در تمام تصمیم گیری هایی که در مورد مشارکت در افغانستان صورت می گیرند، حقوق زنان را به عنوان اولویت کلیدی و یا خط قرمز مدنظر داشته باشند.

توصیه های ویژه زنان قرار ذیل اند:

- با مقامات بالفعل، به همراهی زنان افغان، مذاکرات مستقیم نمائید، تا ممنوعیت کار کردن زنان در مؤسسات غیردولتی و گسترش آن به سازمان ملل متحد، از میان برداشته شود.
- به وارد نمودن فشار بالای مقامات بالفعل، منجمله از طریق تحریم های اقتصادی هدفمند ادامه دهید.
- سازمان ها و نهاد هایی را که توسط زنان رهبری می شوند و در عرصه حقوق زنان فعالیت می کنند، به گونه مستقیم تمول نمائید.
- افزون بر حمایت از لغو نمودن کامل ممنوعیت کار کردن زنان در مؤسسات غیردولتی و گسترش آن به سازمان ملل متحد، برای زنان و دختران افغان فرصت های بیشتر را فراهم سازید، تا آنها بتوانند در ابتکارات شغلی و آموزشی مبتنی بر خانه و آنلاین مشارکت نمایند، و به حمایت روانی آنلاین دست یابند.
- فرصت ها را برای زنان و دختران افزایش دهید، تا آنها بتوانند در خارج از افغانستان به اسکان مجدد دست یابند، منجمله از طریق روی دست گرفتن برنامه های مؤثر بورسیه های تحصیلی و اسکان مجدد^{۲۰}.

^{۱۹} این مسئله در مورد حدود ۳۶ درصد پاسخ دهندگان "بدون درآمد" به سروی بشنو (Bishnaw survey) در مارچ ۲۰۲۳ صدق می کند. نمونه های مشابه در بین پاسخ دهندگان دارای درآمد پایین و متوسط نیز وجود داشته است.

^{۲۰} این توصیه نشان دهنده میزان یاس و ناامیدی زنانی می باشد که با آنها مشوره صورت گرفته است. زنان اسکان مجدد را آخرین گزینه می دانستند، اما بالمقابل حس می کردند که این راه حل مشکلات درازمدت افغانستان نیست.